

نقش بسیج دانشجویی در مدیریت بحران‌های سیاسی (مطالعه موردی انتخابات دهم ریاست جمهوری)

دکتر مهدی ناظمی*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۲/۲۵

دکتر رضا سراج**

تاریخ تأیید مقاله: ۹۵/۰۴/۲۲

محمود سلیمانی***

صفحات: ۳۵-۹

چکیده

مدیریت بهینه بحران یکی از اساسی‌ترین وظایف حکومت در بحران‌های سیاسی است. استفاده از همه ابزارها به بهترین شکل و در بهترین موقعیت این امکان را به حکومت‌ها خواهد داد تا بحران را به فرصت تبدیل نمایند. در کشور ما نیز با توجه به نوپا بودن نظام اسلامی، تلاش جهت نهادینه نمودن ارزش‌های انقلاب، حرکت در مسیر پیشرفت و مقابله با کید دشمنان، توجه به برنامه و سیستم مدیریت بحران الزامی است. برای نیل به این هدف، شناخت کارکرد و توان هرسازمانی در بحران از ضروریات می‌باشد. این مقاله به بررسی کارکرد و نقش بسیج دانشجویی در بحران‌های سیاسی می‌پردازد و عملکرد این تشکل را در حوادث سال ۱۳۸۸ ارزیابی می‌نماید و در تدبیر مدیریت بحران از چارچوب نظری رادلف بهره برده و بر این اساس با تقسیم کارکردهای بسیج دانشجویی به سه قسمت قبل، حین و پس از بحران، شاخص‌های لازم را احصا شده است. نتایج تحقیق با روش پیمایشی که به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و براساس فرمول کوکران یک نمونه ۲۳۰ نفری از جامعه آماری ۵۶۴ نفری بدست آمده است. یافته‌ها نشان می‌دهد فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اثرگذاری بسیج دانشجویی بر مدیریت بحران سال ۱۳۸۸ مورد تأیید قرار گرفته و بیش‌ترین اثرگذاری بسیج دانشجویی در اوج بحران (فتنه) بوده و کمترین اثرگذاری آن پس از بحران و در مرحله ترمیم بوده است.

کلیدواژه‌ها: بسیج دانشجویی، بحران‌های سیاسی امنیتی، مدیریت بحران و...

* دانشیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

** استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

*** نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد مدیریت بحران

مقدمه

بحران‌ها جزء بارز جوامع امروزی هستند. میزان قدرت هر یک از جوامع بشری در وضعیت کنونی جهان با توجه به عکس‌العمل‌های آن جامعه نسبت به بحران‌ها سنجیده می‌شوند. روزی یک کشور را برای هدایت و کنترل یک وضعیت غیرمترقبه طبیعی می‌ستایند و روزی دیگر، کشوری را برای تبدیل یک مسئله خطرناک به یک فرصت برای پیشرفت و تعالی ترغیب می‌کنند. بی‌شک مهم‌ترین بحران‌ها در یک جامعه انسانی را باید بحران‌های سیاسی و امنیتی دانست چنانچه این بحران‌ها مدیریت شوند بر اقتدار و محبوبیت نظام‌ها تأثیر مستقیم و زودرس دارند و چنانچه برعکس مدیریت نشوند مانند بیماری خوره به مرور یک نظام سیاسی را از درون ویران می‌کنند. نزدیک‌ترین نمونه مدیریت بحران‌های سیاسی و امنیتی به زمان ما مسئله انقلاب جدید در اوکراین و نقش مدیریتی روسیه در تبدیل یک بحران به فرصت است. کشور روسیه با برخوردی عاقلانه با بحران فوق‌ضمن آنکه بر وسعت سرزمین خود افزوده و دسترسی خویش به آب‌های گرم و آزاد را تأمین نموده است میزان اقتدار و محبوبیت خود در سرزمینش را افزایش داده است. بدون تردید یکی از محیط‌هایی که به صورت بالقوه قابلیت بحران‌سازی برای جمهوری اسلامی ایران از بدو تولد انقلاب اسلامی تاکنون را داشته است محیط دانشگاه‌ها بوده است که چنانچه به خوبی مدیریت شوند نه تنها آسیبی به بدنه نظام اسلامی وارد نمی‌سازند بلکه زمینه تحکیم موجودیت نظام را فراهم می‌آورند. چنانچه به تاریخ ۳۷ ساله انقلاب اسلامی نظری بیفکنیم؛ پس از جنگ تحمیلی - به عنوان مهم‌ترین بحران سیاسی و امنیتی تاریخ انقلاب اسلامی - برخی از بحران‌ها ریشه در دانشگاه‌ها داشته است. سازمان منافقین که بسیاری از نخبگان انقلاب اسلامی را در آن سال‌ها، به شهادت رساندند و این جریان ریشه در دانشگاه‌ها داشت و از این طریق نه تنها بسیاری از جوانان این مرز و بوم را از بدنه اصیل

انقلاب جدا کردند، بلکه از همین جوانان جهت ضربه زدن به نظام اسلامی استفاده کردند و شاید یکی از دلایل تدبیر «انقلاب فرهنگی» در آن مقطع جلوگیری از بحران سازی همین جریان‌ها در دانشگاه‌ها بود.

از طرفی تجربه حادثه کوی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۸ نشان داد که ورود نیروهای انتظامی و امنیتی به محیط دانشجویی ابعاد تهدید را کاهش نداده بلکه بر گستره‌ی آن نیز افزوده شد. دانشجویان حاضر در تهران به عنوان یک فرصت برای بهره‌گیری عناصر بحران زا مد نظر قرار گرفت، چنانچه سوءاستفاده این گروه از کوی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۸ و همچنین تلاش برای به تعطیلی کشاندن امتحانات پایان‌ترم و استفاده تبلیغی و عملیاتی از این قشر همواره به عنوان تهدیدی سیستم مدیریت بحران کشور را به خود مشغول داشته است.

نکته‌ی دیگری که می‌توان مد نظر داشت تعدد دانشگاه‌ها و عدد قابل ملاحظه دانشجویان غیربومی در شهرهای بزرگ است که فراغت بال آن‌ها و عدم کنترل توسط خانواده و جامعه خود زمینه‌ساز بسیاری از انحرافات و بحران‌هاست که می‌تواند محیط دانشجویی و جامعه را تحت تأثیر خود قرار دهد.

به نظر می‌رسد بهترین راه حل برای رفع این مشکلات در محیط دانشجویی تکیه بر نهادهای واسطی چون تشکل‌های دانشجویی می‌باشد این تشکل‌ها به عنوان حلقه ارتباط میان دانشجویان و مسئولین عمل نموده و با جمع‌آوری آراء و نظرات دانشجویان و تجزیه و تحلیل آن برنامه‌ریزی لازم را جهت نقد مسئولین انجام می‌دهند تا از این طریق هم از انباشته شدن خواسته‌های این قشر آرمان‌گرا و عدالت طلب جلوگیری نموده و هم با نقد عملکرد مسئولین زمینه اصلاح رویه‌ها را فراهم آورند.

در این میان بسیج دانشجویی به عنوان یک تشکل دانشجویی برآمده از انقلاب که دارای زیربنای مستحکم قانونی است یکی از مهم‌ترین تکیه‌گاه‌های سیستم

مدیریت بحران در دانشگاه‌ها می‌باشد این تشکل زیر نظر سازمان بسیج کشور فعالیت نموده و این مسئله باعث کاهش احتمال انحراف آن به سوی گروه‌ها و جناح‌های مختلف شده و حرکت آن را با رویکردهای ولایت‌فقیه تنظیم می‌شود. از سوی دیگر نیروهای بسیج دانشجویی فعالیت‌های خود را عمدتاً از پایگاه‌های محلات آغاز نموده و لذا حداقل‌های محیط بحرانی را می‌شناسند.

بنابراین سوال اساسی مقاله این است که بسیج دانشجویی از منظر قانون و انتظارات مسوولین و مقامات عالی نظام چه نقش و کارکردی می‌تواند در بحران‌ها ایفا نماید؟ و در کدام مرحله از مدیریت بحران‌ها و فتنه‌ها نقش آفرین می‌باشد و نقش و کارکرد بسیج دانشجویی در مدیریت فتنه و بحران سال ۱۳۸۸ چگونه بوده است؟

بحران

بحران به اعتبار مفهوم کلمه به «مرحله پیچیده‌ای که یک کار و رویداد از آن عبور می‌کند»، «وضعیتی که در آمدن از آن مشکل است»، «خطر آنی و تحولاتی که در جهت رفتن به سوی خرابی ناگهانی به میان می‌آید.» (عمید، ۱۳۷۱: ۲۷۴) «یک لحظه تعیین کننده»، «مقطع حیاتی»، «نقطه برگشتن برای بهتر یا بدتر شدن وضعیت» می‌باشد ولی از نظر برداشت عمومی بحران عبارت است از به وجود آمدن شرایطی غیرمعمول یا غیرمتعارف در روند حرکت و به بیان دیگر بحران وضعیتی است ناپایدار که در آن تغییری ناگهانی در یک یا چند قسمت از عناصر متغیر نظم موجود ایجاد می‌شود (حیدری، ۱۳۷۲: ۴۲) هنگامی که مجموعه شرایط خاصی، روال متداول و پیش‌بینی شده جریان کار، فعالیت، تولید، خدمت رسانی، زندگی، ارتباطات، تأمین نیازهای عمومی، سلامت، محیط‌زیست و یا افکار عمومی را تغییر یک‌باره می‌دهد در این حالت شرایط بحرانی بروز کرده است شاید به نظر

غیرعادی برسد اما واقعیت این است که برنامه‌ریزی و مدیریت ناصحیح بحران مرتباً دامنه خسارات را گسترده و میزان خسارات را افزایش می‌دهد به همین دلیل است که اکنون برنامه‌ریزی و مدیریت بحران تا این اندازه دارای اهمیت می‌باشد (خلیلی عراقی و یقین‌لو، ۱۳۸۶: ۶۸).

ویژگی‌های بحران

تهدید، غافلگیری و فشار زمانی: عموماً سه ویژگی اصلی را شرط اصلی تعریف بحران ذکر کرده‌اند: تهدید، غافلگیری و فشار زمانی. به بیان دیگر برای آنکه فرد یا گروه درگیر صحنه اوضاع را بحرانی بداند باید اولاً احساس کند که هدف‌های دارای اولویت بالای سازمان تصمیم‌گیری تهدید می‌شوند. ثانیاً در برخورد با تهدید ممکن است غافلگیر شود و ثالثاً احساس کند که زمان موجود برای پاسخ‌گویی به تهدید محدود است (حسینی به نقل از هرمن، ۱۳۸۵: ۲۲).

لزوم پاسخگویی سریع: وقتی بحران حادث می‌شود، باید در کوتاه‌ترین زمان، پیچیده‌ترین و حساس‌ترین تصمیمات اخذ و به مرحله اجرا در آید. ضمن اینکه این تصمیمات در حیطه‌ای از مشکلات ناشی از کمبود اطلاعاتی اتخاذ می‌گردد. هیچ حادثه‌ای نیست که بحرانی را ایجاد نماید و مسئولین و مدیران به آن بی‌توجه باشند. این ویژگی مهم‌ترین عامل تمیز بحران از وضعیت عادی می‌باشد.

ضعف پیش‌بینی رخدادهای آتی: در بحران نمی‌توان رخدادهای آتی را به طور دقیق پیش‌بینی نمود؛ زیرا عامل موثر در پیدایش و احتمالاً تصاعد بحران معمولاً در کنترل مدیران نبوده و در چارچوب خاصی که قابل پیش‌بینی باشد، عمل نمی‌کند.

عدم پایداری بحران: بحران‌ها هیچ‌گاه پایدار نبوده بلکه مقطع زمانی خاصی را در بر می‌گیرند هر چند مدیریت در بحران‌ها به دنبال کوتاه‌تر کردن این زمان می‌باشند اما باید توجه داشت که بحران‌های کوتاه مدت نیز دارای اثرات مهمی در جامعه می‌باشند.

ذاتی بودن خسارت: خسارت جزء لاینفک بحران است، تمامی بحران‌هایی که شکل می‌گیرند به ویژه بحران‌هایی که از ابزار خشونت استفاده می‌نمایند خساراتی را در ابعاد مادی و معنوی به همراه دارند.

افزایش فشارهای روحی: در بحران نگرانی‌ها و فشارهای عصبی به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد. در نتیجه شرایط استفاده از عملیات روانی با توجه به تأثیرگذاری شایعات فراهم می‌گردد.

فرصت‌سازی: بحران‌ها ضمن اینکه آسیب‌های اجتماعی را به ناامنی تبدیل کرده و منافع راهبردی را تهدید می‌نمایند ولی همراه خود فرصت‌های بسیار گران‌قیمت را نیز به همراه دارند و هنر مسئولین امنیتی در تدبیر بحران، تبدیل تهدیدات به فرصت‌هایی است که در درون بحران‌ها نهفته است. این زمانی قابل تحقق است که شناخت کاملی از بحران و شرایط جامعه به ویژه سؤالات و مسایل جاری و گذشته جامعه وجود داشته و با تسلط اطلاعاتی در روند حوادث بحران بتوان فرصت‌ها را بازیابی کرد (جدی، ۱۳۸۳: ۲۲).

بحران‌های سیاسی امنیتی

تجارب به دست آمده در کشورهای جهان سوم نشان می‌دهد قبل از آغاز برنامه‌های توسعه، ثباتی نسبی با سازوکارهای سنتی و اقتدارگرایی در این جوامع برقرار است؛ و پس از پیمودن مسیری قابل توجه از مسیر رشد و توسعه به سمت ثبات پایدارتری رفته‌اند. ولی مشکلات اساسی در دوران میانی یعنی آغاز اجرای برنامه توسعه و دوران گذار همراه می‌شود. این دوران گذار همراه با تحولات فراوان بوده و باعث ایجاد موجی از بحران‌های گوناگون می‌گردد که تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی است. دسترسی به رسانه‌های مختلف اعم از اینترنت و ماهواره، تک‌تک افراد جامعه سنتی را به جهان و تحولات آن متصل نموده و محرومیت

نسبی و شکاف میان خواسته‌ها و داشته‌ها و توان دولت‌ها در تأمین نیازهای مردم سبب بروز کنش‌های اجتماعی مختلفی می‌گردد که هر اندازه تدبیر دولت‌ها در مدیریت این دوران گذار قوی‌تر باشد درگیری‌ها محدودتر و سرعت طی نمودن مسیر توسعه پرشتاب‌تر خواهد بود

بحران‌های دوران گذار می‌توانند در زمینه‌های بسیار متفاوت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و غیره بروز نموده و در سه گروه عمده اجتماعی، سیاسی و امنیتی طبقه‌بندی شوند. به دلیل ماهیت پویایی که این سه گروه عمده دارند، امکان تغییر شکل^۱، محتوا^۲ و کانون^۳ هر یک از آن‌ها به دیگری وجود داشته و با فعال شدن مجموعه‌ای از متغیرهای تأثیرگذار این روند به انجام می‌رسد. فرآیند امنیتی شدن بحران‌های اجتماعی و سیاسی بستگی به مجموعه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای و تأثیرگذار خارجی دارد که به تنهایی و در ترکیب با یکدیگر مسیر این تغییر و تحولات را مشخص می‌نمایند (ربیعی، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

به طور کلی امنیتی شدن بحران‌های اجتماعی و سیاسی، شامل دامنه وسیعی از کنش‌ها و رفتارهای جمعی است که هدف همه آن‌ها به چالش کشیدن نظم مستقر، ایجاد اختلال در فرایند زندگی عادی و ایجاد احساس ناامنی در گروه‌هایی از شهروندان است. مهم‌ترین اشکال کنش‌های جمعی بحران‌زا، تحصن اعتراض‌آمیز، راهپیمایی اعتراض‌آمیز، تظاهرات خشونت‌آمیز، غوغا، شورش‌های جمعی و جنگ داخلی برشمرده شده است. این رفتارها جزئی از دامنه وسیعی به نام برخوردهای خشونت‌آمیز هستند که در فرآیند امنیتی شدن بحران‌ها نقش اساسی ایفا می‌کنند.

امنیتی شدن بحران‌های اجتماعی و سیاسی با توجه به فرهنگ مختلف جوامع و آستانه تحمل انسان‌ها و دولت‌ها از الگوهای متفاوت تبعیت می‌کنند. بر این اساس، برخی از پدیده‌ها در یک جامعه مشخص به سرعت به بحران امنیتی تبدیل می‌شوند

1- Form
2- Content
3- Focus

و در جامعه دیگر این تحول بسیار کند و در برخی موارد نامحتمل است رابوی و دجنایس برچسب بحران امنیتی به وضعیت‌های مشخص را عملی سیاسی و ایدئولوژیکی می‌دانند و معتقدند اطلاق کلمه بحران امنیتی به شرایط مشخص، عملی پیچیده بوده و تحت تأثیر متغیرهای سیاسی و ایدئولوژیکی قرار دارد. با چسباندن وصف امنیتی به بحران‌های اجتماعی و سیاسی ضرورت و حق برخورد با بحران با توسل به شیوه‌های خارج از عرف معمول سیاسی، مطرح می‌شود. در این وضعیت، بازیگران امنیتی می‌توانند اجازه یابند تا قواعد معمول را زیر پا گذارده و ادعا نمایند که با شیوه معمول نمی‌توانند با تهدیدات مقابله نمایند. در این شرایط زنگ ناامنی و خطر در میان بازیگران مختلف به صدا درآمده و به صورت یک بحران امنیتی در سطح جامعه و نهادهای امنیتی مطرح می‌گردند. به عبارت دیگر، بحران امنیتی مرحله‌ای از حاد شدن اوضاع را نشان می‌دهد که در آن مداخله نهادها و سازمان‌های امنیتی به امری پذیرفته‌شده تبدیل می‌گردد. در این شرایط، بحران فرصت یافته است که سازوکارهای کنترل‌کننده اداری و سیاسی را کنار بزند و به صورت پدیده‌ای آشکار گردد.

مدیریت بحران

فرآیندی برای رویارویی با وضعیتی دشوار و پرفشار به طوری که همه برنامه‌ریزی‌ها، سازمان‌دهی‌ها و کنترل گروهی را بسیج کرده و برای تصمیم‌گیری مناسب در اختیار مدیرانی قرار می‌دهد که باید سریع ولی بدون شتاب‌زدگی در جهت رفع آن اقدام کنند (رضایی‌نژاد، ۱۳۷۵: ۴۵). در حوزه علوم مدیریتی، مدیریت بحران را فرآیندی قلمداد کرده‌اند که یک مدیر در موقع خطر احتمالی، سعی در برآورده ساختن اهداف خود با هزینه‌ای قابل قبول داشته (امیرکبیری، ۱۳۷۶: ۳۲) و از آنجایی که این واژه در سیر تکاملی خود معنی ایجاد

آمدگی سازمانی در برخورد با حوادث غیر محتمل با تهیه طرح‌ها و برنامه‌های عملی به خود گرفته است لذا مدیریت بحران به منزله یک رشته علمی در چارچوب مدیریت راهبردی نیز بکار رفته است. (رضایان، ۱۳۸۱: ۵۱۷). بر اساس نظرات پیرسون و کلایر مدیریت بحران عبارت است از تلاش نظام‌یافته توسط اعضای سازمان همراه با ذینفعان خارج از سازمان در جهت پیشگیری از بحران‌ها و یا مدیریت اثربخش آن‌ها در هنگام وقوع (معمار زاده و سرفرازی، ۱۳۸۹: ۲۱). مدیریت بحران دقیقاً به معنای سوق دادن هدفمند جریان پیشرفت امور به روالی قابل کنترل و انتظار برگشتن امور در اسرع وقت به شرایط قبل از بحران نیست بلکه این یکی از دام‌هایی است که معمولاً از بیرون به مسئولین مدیریت بحران فشار می‌آورد و خود یکی از مهم‌ترین عوامل تصمیم‌گیری‌های غلط و گسترش دامنه بحران محسوب می‌شود (خلیلی عراقی و یقین‌لو، ۱۳۸۶: ۶۸). باید توجه داشت مدیریت بحران بر اساس ساختار و فرهنگ سیاسی یک کشور در یکی از دو حالت زیر ایفای نقش می‌نماید: یکی از این حالات، یک فرآیند دو وجهی شامل عناصر بحران‌زا و عناصر کنترل‌کننده بحران می‌باشد به این معنی که در این فرآیند جایگاه مردم بسیار کم‌رنگ می‌باشد و معمولاً به عنوان یک منبع قدرت در بحران و یا کنترل آن بکار گرفته نمی‌شوند (مارکوزه، ۱۳۸۰: ۶۵). اما در حالت دوم، مدیریت بحران در یک فرآیند سه وجهی قرار می‌گیرد که وجه سوم آن را توده‌های مردم تشکیل می‌دهند. مدیریت در فرآیند سه وجهی بسیار پیچیده‌تر بوده و وابسته به فضای موجود در جامعه و افکار عمومی در خصوص رخداد یک بحران می‌باشد.

هیچ‌الگوی واحدی که بتواند تحقیق در خصوص موضوع مدیریت بحران را راهنمایی کند، وجود ندارد محققان تلاش دارند هر کدام بر یک عنصر خاص از اجزای فرآیند مدیریت بحران تمرکز کنند. میتراف^۱ و شریواستاوا^۲ (۱۹۸۷) بر

1- Mitroff

2- Shrivastava, Paul

حسابرسی بحران، ترویت و کلی^۱ (۱۹۸۹) بر برنامه‌های مدیریت بحران، ریلی^۲ (۱۹۸۷) بر آمادگی در مقابل بحران، اشردر (۱۹۹۰) بر یادگیری از وقایع ناگوار، پاوچانت^۳ و میتروف^۴ (۱۹۹۲) بر فعالیت‌های لازم برای آمادگی در مقابل بحران و نیز عهدنامه سازمانی برای مقابله با بحران‌ها تمرکز کردند و تحقیق‌هایی را انجام دادند. در هر صورت باید فرآیندی از مدیریت بحران مطرح شود که همه عناصر فوق را در بر داشته باشد چون هر کدام از آن‌ها قسمت‌های مهمی از مدیریت بحران سازمانی هستند (دادور، ۱۳۸۵: ۵۲). تعیین فعالیت‌ها و اقدامات لازم بر حسب زمان در مراحل مختلف برنامه بحران نیز بسیار مهم می‌باشد غالباً سه مرحله زمانی در بحران وجود دارد که هر مرحله اقدامات متناظر با خود را داراست در مرحله قبل از بحران، اقدامات مربوط به پیشگیری از حوادث و سوانح و آمادگی در برابر بحران، هنگام بحران عملیات امداد و نجات و پس از بحران اقدامات مربوط به عادی‌سازی، بازسازی شرایط و زندگی موضوعیت پیدا می‌کند (طبرسا، ۱۳۸۲: ۶۵).

نخبگان سیاسی و مدیریت بحران

تلاش در جهت کاهش تنش سبب می‌گردد نیروهای دولتی در مدیریت بحران از بازیگران دیگری به عنوان میانجی استفاده نمایند تا بازی آنان به حفظ مشروعیت نظام در بین مردم کمک نماید. عنصر میانجی که خود در دو طرف این مناقشه قرار نگرفته است می‌تواند به عنوان عنصر بی‌طرف توجیه‌کننده مناسب‌تری برای افکار عمومی باشد. ضمن آنکه مخالفین نیز نمی‌توانند این میانجی‌گری را نادیده بگیرند و عدم توجه به این امر به معنی عدم وجود عقلانیت در مخالفین قلمداد شده و به میزان زیادی مشروعیت آن را کاهش می‌دهد از این منظر است که نقش نخبگان

1- Kelly, Rick

2- Riley

3- Pavchant

4- Mitroff

سیاسی در کنترل بحران‌ها بسیار موثر می‌باشد. البته باید توجه داشت که این عمل دولت باید در راستای افزایش اقتدار دولت و به منظور همراه نمودن معترضین با سیاست‌های کلان امنیتی صورت گیرد که در غیر این صورت این‌گونه تداعی می‌گردد که دولت حالت فرمایشی داشته و این گروه‌های واسطه هستند که تصمیم‌گیرنده اصلی بوده و دولت تنها مجری خواسته‌های آنان می‌باشد (جدی، ۱۳۸۳: ۵۶).

آیت‌الله مصباح یزدی در رابطه با چاره‌اندیشی نظام‌های حاکم برای حفظ وضع موجود در برابر بحران‌های اجتماعی ضمن اشاره به سه روش:

۱. استفاده از نیروهای مجبورکننده

۲. استفاده از نیروهای برانگیزنده و بازدارنده

۳. استفاده از نیروی باوراننده

سودمندترین و کارآمدترین روش را روش استفاده از نیروهای باوراننده دانسته و دلیل آن را این‌گونه ذکر می‌نماید که: نیروهای مجبورکننده و برانگیزنده و بازدارنده نهایت کاری که می‌توانند انجام دهند قدرتمند ساختن دستگاه حاکم است و حال آن که نیروهای باوراننده دستگاه حاکم را هم قدرت می‌بخشند و هم مشروعیت؛ و مشروعیت داشتن یک نظام بهترین ضامن ثبات و بقای آن است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۳۶۳).

چارچوب نظری

در این پژوهش از نظریه رادلف به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. وی معتقد است مدیریت بحران به سه مرحله قبل، حین و بعد از وقوع بحران تقسیم شده و هر مرحله مستلزم اقداماتی است که بایستی توسط سیستم مدیریت بحران برنامه‌ریزی و به مرحله اجرا در آید (معمارزاده و سرافرازی به نقل از رادلف، ۱۳۸۹: ۳۰). اقدامات قبل از بحران اقداماتی است که در طی یک برنامه

چندساله حاصل می‌شود و به مدت زمان و برنامه‌های درازمدت نیاز دارد (رزقی شیرسوار، ۱۳۸۹: ۱۴۹). اقدامات حین بحران، اقداماتی است که به دنبال کاهش خسارات، کاهش زمان بحران و رسیدن به وضعیت ثبات می‌باشد و اقدامات پس از بحران، اقداماتی است که پس از افول و کنترل بحران انجام می‌پذیرد و به دنبال ترمیم و بازسازی عواملی است که در طول بحران صدمه‌دیده به سؤالات و انتظاراتی که در طول بحران بوجود آمده است. می‌پردازد (حسینی و جدی، ۱۳۸۵: ۶۰).

کارکردهای مورد انتظار از بسیج دانشجویی در مدیریت بحران‌های سیاسی - امنیتی با توجه به بررسی‌های پژوهشگر، کار علمی در خصوص کارکردهای مورد انتظار از بسیج دانشجویی در مدیریت بحران‌های سیاسی امنیتی انجام نشده است و ادبیات نظری مورد نیاز در این خصوص تولید نشده است لذا محقق با استفاده از روش‌های کیفی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، سخنان مقام معظم رهبری در جمع اعضای بسیج دانشجویی و رجوع به قوانین مربوط به بسیج دانشجویی و مصاحبه با مسئولین بسیج دانشجویی و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، مؤلفه‌های اثرگذاری بسیج دانشجویی بر بحران‌های سیاسی امنیتی را استخراج و مدل مفهومی پژوهش را تولید نموده است.

الف) کارکردهای بسیج دانشجویی قبل از بحران

۱. تقویت بنیه‌های اعتقادی

ضعف اصلی در محیط دانشجویی، اطلاع ناقص و سطحی دینی است. گرچه ضعف اطلاعات مذهبی مشکل عام جوامع اسلامی و از جمله کشور ماست، اما در گروه‌های بسته و گروه‌های سنتی، ایمان و باور ریشه‌دار به انضمام دریچه‌های

محدود اطلاعاتی موجب می‌شود که فقر اطلاعات مذهبی، اساس باور دینی را منهدم نکند؛ ولی در محیط دانشجویی، با توجه به گستره فضای اطلاعاتی، شبهات و شکوک راه می‌یابد در این شرایط اگر سطح اطلاعات مذهبی ارتقا پیدا نکند و عمق لازم را نیابد موج شبهات به اضافه خودباوری کاذب موجب می‌شود که اساس باورهای دینی مورد تهدید قرار گیرد، یا بدعت‌های نوظهور به گونه‌ای مداوم، مشتریان تر و تازه پیدا می‌کنند. با همین نگرش بسیج دانشجویی بایستی اساسی‌ترین موقف و عملکرد خود را در تعمیق و ارتقای فرهنگ دینی دانشجویی بداند و برای آن به برنامه‌ریزی جدی و اساسی روی آورد. به دلیل ماهیت دینی نظام جمهوری اسلامی، مدافعان این نظام نیز بایستی درکی عمیق از مبانی آن داشته باشند و الا در لحظات حساس دچار شک و تردید شده و توان حمایتی خود را از دست خواهند داد، چنانچه در سال ۱۳۸۸ نیز مبانی نظام مورد حمله عناصر بحران زا قرار گرفته و شعارهایی بر ضد اصل ولایت فقیه و دفاع نظام جمهوری اسلامی از ملت فلسطین و لبنان سر داده شد.

۲. برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی

به اذعان فعالین بسیج دانشجویی، یکی از مهم‌ترین کارکردهای بسیج دانشجویی در بحران‌ها برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی بوده و این کرسی‌ها علاوه بر تخلیه هیجان‌ات دانشجویی، به کاهش غبارآلودگی فضا در بحران‌ها کمک زیادی خواهد کرد علاوه بر این در ماده ۳ آیین‌نامه بسیج دانشجویی نیز برگزاری کلاس‌های فرهنگی، علمی و دفاعی از جمله وظایف بسیج دانشجویی بر شمرده شده که کرسی‌های آزاداندیشی نیز می‌تواند در این قالب قرار گیرد.

از طرفی سخنان رهبر انقلاب نیز موید همین وظیفه برای بسیج دانشجویی است «یکی دیگر از کارهایی که باید در زمینه‌ی مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی و علمی انجام بگیرد، میدان دادن به دانشجویست برای اظهار نظر. از اظهار نظر هیچ

نباید بیمناک بود. این کرسی‌های آزاداندیشی که ما گفتیم، در دانشگاه‌ها باید تحقق پیدا کند و باید تشکیل بشود. اگر چنانچه بحث‌های مهم تخصصی در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌های اجتماعی، در زمینه‌های گوناگون حتمی فکری و مذهبی، در محیط‌های سالمی بین صاحبان توان و قدرت بحث مطرح بشود، مطمئناً ضایعاتی که از کشاندن این بحث‌ها به محیط‌های عمومی و اجتماعی ممکن است پیش بیاید، دیگر پیش نخواهد آمد» (مقام معظم رهبری ۸۸/۶۸/۱).

۳. آگاه‌سازی

هشدار پیشاپیش به مخاطبان مبنی بر اینکه به زودی عقایدشان مورد حمله قرار خواهد گرفت، باعث برانگیخته شدن مقاومت در آن‌ها می‌شود. هشدار قبلی می‌تواند از دو طریق، مقاومت ممکن است ارتباط اقناعی را شکل دهد. اول از طریق چیزی که پراتکانیس و آرونسون «خط مشی نگرشی» خوانده‌اند و منظور از آن، اتخاذ و ابراز یک نگرش، نه بر مبنای اعتقاد قلبی، بلکه به قصد تأمین هدفی استراتژیک است. طریق دوم، تأثیر هشدار بر فراهم آوردن ردیه توسط مخاطب است. منظور از ردیه، آماده کردن خود برای بررسی دقیق پیام پیش رو و تدارک استدلال‌های مخالف برای مقابله با آن است (حسینی به نقل از پراتکانیس و آرونسون، ۱۳۹۰: ۴۶۳).

۴. مطالبه آرمان‌ها، عدالت‌خواهی، استکبارستیزی

مطابق آیین‌نامه اجرایی قانون بسیج دانشجویی، یکی از اهداف این تشکل بسط فرهنگ و تفکر بسیجی است که در توضیح فرهنگ بسیجی به عدالت‌خواهی به عنوان یکی از شاخصه‌های این فرهنگ غنی اشاره شده است از طرفی حفظ و

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۸/۰۶/۱۳۸۸

ارتقای روحیه استکبارستیزی در دانشجویان مطابق بند ۴ از ماده ۳ همین آیین نامه یکی دیگر از وظایف قانون‌گذار برای این تشکل می‌باشد.

از سویی بسیج دانشجویی فرزند انقلاب و برآمده از آن است؛ نباید به سهولت این ریشه را از یاد ببرند و موضعی خنثی و بی‌تعهد در برابر مشکلات انقلاب پیدا کند متأسفانه در مواردی فرزندان انقلاب و تشکل‌هایی که از این بستر بر خواسته‌اند و هویت و مشروعیت خود را از آن گرفته‌اند به موضع انفعالی و بدهکارانه در برابر مدعیان فرصت خواه فرو می‌غلتنند جبهه مهاجم در غالب‌ها و آرایه‌های گوناگون چنان فضا را پر می‌کند که نیروی خودی از بیان و ابراز عقاید خویش بازمی‌ماند و برای آن که به ده‌ها برچسب ضد روشنفکری متهم نشود از بیان منطقی و مستدل دیدگاه‌ها و عقاید خویش هم فاصله می‌گیرد و به مرور یا در یکی از طیف‌های دگراندیش جای می‌گیرد و یا با عملکردی خنثی و بی‌گرایش حداقل طلب مصونیت می‌کند تا بتواند شخصیت معنوی و محترم خود را محفوظ نگه دارد:

«انجمن‌های اسلامی باید آن حالت طلبکاری خودشان را در زمینه انقلاب و اسلام و روحیه انقلابی و اسلامی در دانشگاه‌ها حفظ کنند و بدهکار نشوند، طلبکار انقلاب باید باشید، انجمن‌های اسلامی در دانشگاه باید طلبکار انقلاب باشند و این را بخواهند این توقع زیادی نیست اگر این احساس و انگیزه، این حرکت برای حفظ فضای انقلابی در دانشگاه را یک گروه فعال دانشجو برعهده داشته باشند زمینه‌های نامساعدی را که در طول زمان در دانشگاه به وجود می‌آورند به کلی خواهد شست و خواهد برد.»^۱ (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶: ۸۴).

۵. هوشیاری و دیدن دست دشمن و سناریوخوانی

مصاحبه‌های صورت گرفته با مسئولین وقت بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها نشان

۱- سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار انجمن اسلامی دانشجویان ۶۴/۳/۱۵

می‌دهد که نشانه‌های اولیه بروز بحران در دانشگاه‌ها از ماه‌ها قبل از انتخابات قابل رویت بوده است. نوشتن شعارهایی بر ضد ارکان نظام روی دیوارها، افزایش تردد عناصر بحران‌زا به دانشگاه‌ها، سخنان برخی اساتید و... پیش از شروع تبلیغات انتخاباتی، همه نشان از طراحی حوادثی بعد از انتخابات داشته است. لذا اگر بسیج دانشجویی هوشیار باشد و با کنار هم قرار دادن این نشانه‌ها، سناریوهای مختلف عناصر بحران‌زا را بررسی و دست‌های پنهان را ببیند می‌تواند به نحو موثرتری در کنترل بحران اقدام نماید.

ب) کارکردهای بسیج دانشجویی حین بحران

۱. روشنگری

امروزه رسانه‌ها متنوع شده و دسترسی به اطلاعات به راحتی مقدور است هر فرد به راحتی می‌تواند از طریق ماهواره و اینترنت اطلاعات گسترده‌ای را دریافت نماید که ممکن است درصد بالایی از آن با واقعیات فاصله زیادی داشته و حاصل تحلیل‌های اشتباه و نادرست و در واقع قلب واقعیت باشد. دانشجویان به علت دسترسی آسان تر بیشتر تحت تأثیر این رسانه‌ها قرار می‌گیرند لذا دانشجویان بسیجی می‌توانند به روش‌های گوناگون نسبت به روشنگری و تشریح مسایل برای آن‌ها اقدام نمایند و از این طریق به صورت مستقیم بر دانشجویان اثرگذار بوده و هم به صورت غیرمستقیم از دانشجویان به عنوان رسانه‌ای جهت انتشار مواضع نظام بهره جویند همان‌گونه که می‌دانیم اکنون بیش از یک میلیون دانشجو در کشور مشغول به تحصیل هستند و در اکثر خانواده‌ها دانشجویانی در مقاطع مختلف در حال تحصیل‌اند که اگر بتوان از ظرفیت بسیج دانشجویی به درستی استفاده نمود بخش عظیمی از موضوع روشنگری از این ناحیه صورت می‌پذیرد. به علاوه قشر متخصص بسیج دانشجویی می‌تواند از فضای مجازی، رسانه‌های دیداری و

شنیداری، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مکتوب جهت انتقال ارزش‌ها و روشنگری اقدام نماید. این خواسته مقام معظم رهبری هم از کلیه خواص است که نسبت به روشنگری و بصیرت‌افزایی در شرایطی که عوام از تشخیص راه صحیح عاجز هستند اقدام نمایند. «من از سابق مکرر گفته‌ام که اگر ملتی قدرت تحلیل خودش را از دست بدهد، فریب و شکست خواهد خورد. اصحاب امام حسن (ع)، قدرت تحلیل نداشتند؛ نمی‌توانستند بفهمند که قضیه چیست و چه دارد می‌گذرد. اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام، آن‌هایی که دل او را خون کردند، همه مغرض نبودند؛ اما خیلی از آن‌ها مثل خوارج قدرت تحلیل نداشتند. قدرت تحلیل خوارج ضعیف بود. یک آدم ناباب، یک آدم بدجنس، یک آدم زبان‌دار پیدا می‌شد و مردم را به یک طرف می‌کشاند؛ شاخص را گم می‌کردند. در جاده، همیشه باید شاخص مورد نظر باشد. اگر شاخص را گم کردید، زود اشتباه می‌کنید. امیرالمؤمنین می‌فرمود: «و لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر»؛ اول، بصیرت، هوشمندی، بینایی، قدرت فهم و تحلیل و بعد صبر و مقاومت و ایستادگی. از آنچه که پیش می‌آید، انسان زود دلش آب نشود. راه حق، راه دشواری است» (مقام معظم رهبری ۸۱/۷/۳).

۲. کاهش خسارات احتمالی

مطابق آیین‌نامه اجرایی قانون بسیج دانشجویی، یکی از اهداف این شکل بسط فرهنگ و تفکر بسیجی است که در توضیح فرهنگ بسیجی به حضور فعال در صحنه‌ها به عنوان یکی از شاخصه‌های این فرهنگ غنی اشاره شده است که این حضور علاوه بر جلوگیری از یکسویه شدن فضا باعث کاهش خسارات احتمالی ناشی از بحران نیز خواهد شد. از سویی شرایط بحرانی با خرابی و آسیب‌های مادی

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری و افراد ممتاز

آزمون‌های سراسری سال ۸۰ و ۱۳۸۱ به تاریخ ۱۳۸۱ / ۰۷ / ۰۳

و بدنی عجین است یعنی کمتر صحنه بحرانی را می‌توان تصور نمود که خرابی و خسارتی از خود به جای نگذاشته باشد ولی نیروهای مدیریت کننده بایستی به دنبال به حداقل رساندن خسارات باشند و این زمانی میسر است که از قبل نقاط آسیب‌پذیر شناسایی شده و برای آن برنامه‌ریزی صورت پذیرد مثلاً کوی دانشگاه تهران با توجه به حجم بالایی از دانشجو که در خود جای داده است همیشه پتانسیل آسیب‌پذیری و خسارت در بحران‌ها را دارد لذا بسیج دانشجویی بایستی برای کاهش این‌گونه خسارات برنامه‌ریزی نماید و به نحوی فضا را کنترل و مدیریت نماید که حتی‌المقدور نیازی به ورود عناصر خارج از دانشگاه و مداخله وجود نداشته باشد گفتار مسئولین سابق بسیج دانشجویی نیز موید این نکته است که هر کجا دانشجویان بسیجی حاضر بوده‌اند خسارات به نحو چشمگیری کاهش داشته و عدم حضور آن‌ها باعث یکسویه شدن فضا به نفع بحران‌سازان شده و خسارات چندین برابر شده است.

۳. آرام و منطقی نگه داشتن فضای دانشگاه

ایجاد بلوا و ناآرامی در دانشگاه از اهدافی است که بانیان بحران قطعاً به دنبال آن هستند جریانات دانشجویی می‌بایست مراقب باشند پازل جنگ نرم را تکمیل نکنند، تمام تلاش طراحان جنگ نرم این است که به گونه‌ای عمل کنند تا شرایط دانشگاه‌های کشور از کنترل خارج شود و این شرایط تنها مطلوب آن‌هاست چون در شرایط گفتگو و فضای آرام آن‌ها فرصت عرض اندام نداشته و قدرت استدلال دانشجویان بسیجی فراتر از منتقدین بوده است.

۴. مطالبه از خواص جهت موضع‌گیری

برخی از نخبگان بسیج بر این باورند که تشکل‌های دانشجویی نظیر بسیج دانشجویی بایستی در مقطع بحران نسبت به نقد مواضع نیروهای درگیر در صحنه

اقدام و از این طریق راهنمای مردم در انتخاب مسیر حق باشند لذا چنانچه در بحران ۱۳۸۸ شاهد بودیم برخی از خواص نسبت به وقایع سکوت اختیار نمودند و نه دفاعی از نظام به عمل آورده و نه در حمایت از عناصر بحران‌زا موضعی اتخاذ می‌نمودند این شرایط ابهاماتی را در اذهان عمومی ایجاد می‌نمود و به اذهان این مفهوم القا می‌شد که این افراد نسبت به عملکرد نظام در مقابله با فتنه انتقاداتی دارند ولی جرأت بیان آن را ندارند از طرفی بیان نشدن صریح این انتقادات سبب می‌شد قضاوت آتی نسبت به این نخبگان دچار مشکل گردد. لذا درخواست مردمی از این خواص جهت اعلام موضع صریح، موجب تصمیم‌گیری بهتر جامعه و شناخت بهتر این خواص می‌گردید در بهترین حالت موضع نظام توسط این خواص تأیید می‌شد و اگر این اتفاق نیز نمی‌افتاد حداقل آن نخبه پس از وقایع نمی‌توانست ادعا نماید که موضعی در دفاع از نظام داشته ولی کسی از او درخواستی جهت اعلام نظر ننموده است.

۵. حضور هدفمند و با برنامه نیروهای بسیجی دانشجویی در صحنه

با توجه به حضور میدانی تشکل‌های دانشجویی معترض به نتیجه انتخابات به مناسبت‌های مختلف، نیاز است بسیج دانشجویی نیز مانند دیگر اقشار بسیج به حفظ سنگر انقلاب در دانشگاه‌ها اقدام نماید این تجمعات دارای فواید زیادی است که از جمله آن جلوگیری از یک طرفه شدن فضای دانشجویی است و این پیام را به تماشاچیان می‌دهد که گروهی با رویکرد عناصر بحران‌زا موافق نیستند. از طرفی بارها مشاهده شده است که کنترل تجمعات افراد معترض از دست اداره‌کنندگان خارج شده و تجمع‌کنندگان خسارات مادی فراوانی به دانشگاه‌ها وارد نموده‌اند که از جمله این وقایع، خسارات شدید وارد شده به دانشگاه صنعتی اصفهان در سال ۱۳۸۸ را می‌توان نام برد که حضور نیروهای بسیجی می‌توانست تا حد زیادی از این خسارات جلوگیری به عمل آورد.

ج) کارکردهای بسیج دانشجویی پس از بحران

۱. مستندسازی و یادگیری از حادثه

سازمان یادگیرنده سازمانی است که در آن یادگیری، نیاز همیشگی کلیه کارکنان تلقی می‌شود و در آن ضمن تاکید بر آموختن، چگونگی آموختن و جذب و توزیع دانش نو، به خلق و تولید اطلاعات و دانش جدید و مورد نیاز پرداخته می‌شود و تمامی این دانش‌ها در رفتار و عملکردها متجلی می‌گردند (قهرمانی، ۱۳۸۳: ۱۰).

بسیج دانشجویی به عنوان یک تشکل سازمان‌یافته بایستی از وقایع گذشته درس آموزی کرده و آینده را بهتر از گذشته بسازد. به دلیل محدود بودن مدت تحصیل در دانشگاه، مدت مسئولیت نیز در بسیج دانشجویی محدود می‌باشد و مسئولین دائماً تغییر می‌کنند لذا اگر فعالیت‌های بسیج در حوادثی نظیر حوادث سال ۱۳۷۸ یا ۱۳۸۸ به صورت مستند ثبت نگردد و نقاط قوت و ضعف آن تبیین نشده و راهکارهای مناسب پیش‌بینی نگردد این تجربیات از دست رفته و مجدداً بایستی توسط مسئولین آتی تجربه گردد.

۲. تبیین و اقناع‌سازی

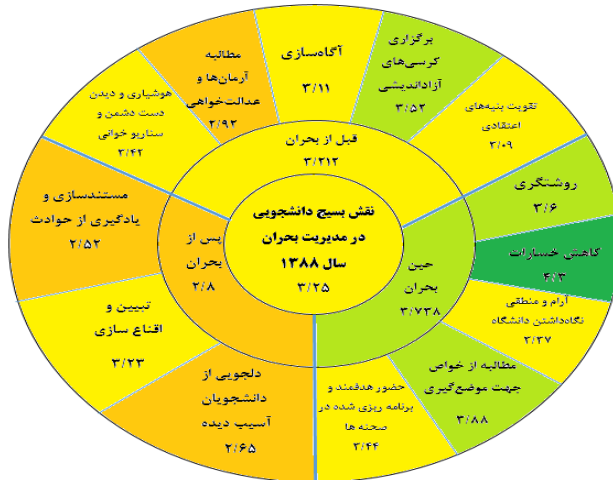
با افول بحران، عملیات روانی بسیج دانشجویی فروکش نمی‌کند. آن‌ها با بهره‌گیری از رسانه‌های متعدد خود و در صورت نبود رسانه‌های خودی از رسانه‌های وابسته به کنشگران معترض، اسناد و مدارک غیرقابل تردیدی را نمایش می‌دهند. افزون بر آن رسانه‌های بسیج دانشجویی با نمایش ابعاد مختلف حرکت توده‌ای، به تصویر کشیدن و نمایش مکرر دامنه اعمال خرابکارانه آشوبگران، انتشار اطلاعیه‌های گروه‌های اپوزسیون نادم، پخش اعترافات، نمایش تناقضات و تعارضات گروه‌های آشوبگر، اعلام حمایت دسته‌های صنفی و سیاسی از نهادهای حکومتی و حکومت، نمایش بی‌حرمتی آشوب‌طلبان به مقدسات مردم، نمایش تظاهرات گروه‌هایی که خواهان مجازات شدید آشوب‌طلبان هستند و مانند آن

می‌کوشند تا از یک سو چهره کنشگران معترض و آشوب‌طلبان را تخریب کنند و از سوی دیگر، مانع از وقوع بحران‌های مشابه در آینده شوند (الیاسی، ۱۳۸۸: ۱۸۰).

۳. مدل مفهومی

در این مطالعه کارکردهای بسیج دانشجویی در بحران‌های سیاسی امنیتی از نظر کارشناسان مورد بررسی قرار گرفته است شده و الگوی مفهومی در چارچوب رهنمودهای مقام معظم رهبری و قوانین بسیج دانشجویی تدوین شده است و بوسیله پرسش‌نامه محقق ساخته نقش بسیج دانشجویی در مدیریت بحران سال ۱۳۸۸ شامل سه مؤلفه نقش بسیج دانشجویی قبل از بحران، حین بحران و پس از بحران مورد ارزیابی و احصا شده است و برای تحلیل داده‌ها، از شاخص‌های آماری و ضریب همبستگی نیز استفاده است سپس با استفاده از روش آماری معادلات ساختاری، روابط متغیرها و میزان ارتباط آنها با متغیر اصلی و مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار گرفت.

مدل مفهومی نقش بسیج دانشجویی در مدیریت بحران (فتنه ۸۸)



■ میانگین شاخص بین ۳ تا ۳/۵
 □ میانگین شاخص بین ۲/۵ تا ۳

■ میانگین شاخص بین ۴ تا ۴/۵
 ■ میانگین شاخص بین ۳/۵ تا ۴

نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر بررسی نقش بسیج دانشجویی در مدیریت بحران‌های سیاسی بوده است، جهت تبیین موضوع از نظریه رادلف به عنوان چارچوب نظری تحقیق استفاده شد. رادلف مدیریت بحران را شامل سه مقطع قبل از بحران، حین بحران و پس از بحران می‌داند و مدیریت بحران را زمانی موثر می‌داند که در سه مقطع فوق به خوبی عمل نماید بر همین اساس کارکردهای بسیج دانشجویی در سه مقطع فوق احصاء و عملکرد این تشکل در حوادث سال ۱۳۸۸ ارزیابی گردید. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که عملکرد بسیج دانشجویی در مقاطع قبل و پس از بحران سال ۱۳۸۸ در حد متوسط بوده، ولی عملکرد این تشکل حین بحران در حد خوب می‌باشد که نشان از آمادگی این تشکل جهت حضور در صحنه و مقابله با بحران‌ها دارد. این بدان معناست که اگر دانشجویان بسیجی خطر آسیب دیدن انقلاب و ارزش‌ها را احساس کنند با تمام نیرو و توان در صحنه حاضر می‌شوند. در مقاله این سؤال مطرح می‌شود که چرا با وجود این آمادگی در دانشجویان بسیجی، عملکرد این تشکل در مراحل قبل از بحران و پس از بحران نزدیک به متوسط می‌باشد؟ در پاسخ می‌توان گفت این تشکل در ایجاد دغدغه در میان دانشجویان بسیجی موفق عمل نموده است و به نظر می‌رسد بسیج دانشجویی با توجه به تذکراتی که در مقام معظم رهبری و رصد پیش‌بینی‌های عناصر بحران‌زای داخلی و خارجی، بایستی قبل از اینکه نشانه‌های بحران در محیط جامعه آشکار گردد دغدغه لازم را در دانشجویان بسیجی ایجاد و آن‌ها را نسبت به برنامه‌ریزی و اقدام مناسب ترغیب می‌نمودند و این فعالیت تا از میان رفتن کلیه آثار و نتایج بحران ادامه می‌یافت ولی انتظار این عملکرد به نحو مطلوب رخ نداده است. نتایج تحقیق در خصوص شاخصه‌های ۵ گانه در حوزه «پیش از بحران» نشان می‌دهد که گویه‌ی «برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی» با میانگین ۳/۵۲ (طیف لیکرت مورد استفاده در پژوهش ۵

گزینه‌ای بوده لذا میانگین بین عدد ۱ تا ۶ در نوسان است). نسبت به دیگر شاخص‌ها از عملکرد بهتری برخوردار بوده است ولی شاخص‌های دیگر این مؤلفه عملکردی نزدیک به متوسط داشته است که بررسی دلایل آن پژوهشی دیگری را می‌طلبد.

نتایج تحقیق در خصوص عملکرد بسیج دانشجویی حین بحران سال ۱۳۸۸ نشان می‌دهد عملکرد این تشکل در این مقطع مطلوب می‌باشد و در شاخص‌هایی چون «حضور هدفمند و برنامه ریزی شده» و «آرام و منطقی نگاه داشتن دانشگاه» نیز به علت تحمیل شرایط از سوی عناصر بحران زا به بسیج، این تشکل نتوانسته است برنامه‌ریزی مناسب را انجام داده و صرفاً خسارت‌زایی عناصر بحران زا را کاهش داده است. ولی در خصوص شاخص‌هایی نظیر «روشنگری» و «مطالبه از خواص جهت موضع‌گیری» چون ابتکار عمل در دست بسیج دانشجویی بوده است موفقیت لازم را بدست آمده است.

نتایج تحقیق در خصوص عوامل سه گانه مؤلفه پس از بحران نشان می‌دهد عملکرد بسیج دانشجویی در خصوص شاخص «تبیین و اقناع سازی» در حد متوسط است که رفع این نقیصه توجه بیشتر نخبگان بسیج دانشجویی را می‌طلبد چون از میان بردن آثار بحران بوسیله تبیین و اقناع سازی، شبهه‌ها را از میان برده و از شعله‌ور شدن مجدد بحران در مقاطع آتی جلوگیری می‌نماید و این مرحله عمدتاً به دست نخبگان بسیج صورت می‌پذیرد و بیش‌ترین انتظار در میان اقشار بسیج از قشر بسیج دانشجویی است چنانچه انتشار ویژه‌نامه انعکاس دانشگاه امیرکبیر در خصوص وقایع پس از انتخابات، چند ماه زودتر از رسانه‌های بزرگ کشور نظیر موسسه همشهری و ایران نقطه عطف عملکرد بسیج دانشجویی در آن مقطع بوده و اثرگذاری فراوانی نیز داشته است. اما عملکرد بسیج دانشجویی در شاخص‌های «مستندسازی و یادگیری از حادثه» و «دلجویی از دانشجویان

آسیب‌دیده» کمتر از حد متوسط بوده است که لازم است با ثبت تجربیات دانشجویان بسیجی از تکرار برخی خطاها یا به فراموشی سپرده شدن برخی نقاط قوت جلوگیری گردد و همچنین دغدغه‌های صنفی دانشجویی نیز همگام با دغدغه‌های ملی، مد نظر این تشکل قرار گرفته و درگیر شدن در مسایل ملی آن‌ها را از توجه به مسایل صنفی دور نماید. در ادامه نتیجه‌گیری پیشنهادهایی ارائه می‌گردد.

پیشنهادها

۱. عمق بخشی و ارتقای فرهنگ دینی دانشجویان
۲. تقویت روح فعالیت‌های دانشجویی و جلوگیری از جهت‌گیری فعالیت‌ها به سمت فعالیت‌های نهادی
۳. پرداختن به مسایل صنفی دانشجویی همگام با مسایل سیاسی روز
۴. تهیه طرح مقابله با بحران در بسیج دانشجویی
۵. برنامه‌ریزی جهت ثبت تاریخ شفاهی بسیج دانشجویی در بحران ۱۳۸۸
۶. مستندسازی و دسته‌بندی وقایع رخ داده در دانشگاه‌های مختلف و نحوه برخورد بسیج دانشجویی و تبعات تصمیم‌گیری‌های مسئولین وقت بسیج دانشجویی
۷. بررسی موضوعات بحران‌خیز در محیط دانشجویی
۸. بررسی نحوه مدیریت اوقات فراغت دانشجویی توسط بسیج دانشجویی و جلوگیری از سوءاستفاده عناصر بحران‌زا از این اوقات فراغت
۹. بررسی و زمینه‌ها و پتانسیل‌های بسیج دانشجویی در خصوص مطالبه درخواست‌های رهبری و مردم از مسئولین و از میان بردن زمینه‌های بحران در سطح جامعه

منابع

الف) منابع مکتوب

۱. امیرکبیری، علیرضا (۱۳۷۶)، «مدیریت بحران»؛ فصلنامه تدبیر، شماره ۷۸.
۲. جدی، مجید (۱۳۸۰)، پروژه بررسی الگوی بهینه مدیریت بحران شهری با تاکید بر حادثه کوی دانشگاه تهران؛ تهران: معاونت پژوهش اداره تحقیقات غیر صنعتی ستاد مشترک سپاه.
۳. حسینی، سید حسین (۱۳۸۵)، «بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود؟»؛ فصلنامه امنیت، شماره ۱ و ۲.
۴. خلیلی عراقی، مریم و یقین لو، مهرانگیز (۱۳۸۶)، «بحران و مدیریت بحران: بررسی آثار مثبت و منفی بحران در سازمان‌ها»، پایگاه مقالات مدیریت.
۵. دادور، عبدالله (۱۳۸۵)، «نقش فناوری اطلاعات در مدیریت بحران»؛ فصلنامه پژوهشنامه، شماره ۵۱.
۶. ربیعی، علی (۱۳۸۹)، «شکاف درآمدی، دغدغه امنیتی کشورهای جهان سوم؛ مطالعه موردی ایران»؛ فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۷.
۷. طبرسا، غلامعلی (۱۳۸۳)، «تبیین شاخص‌های مدیریت حوادث با رویکرد پیشگیری از وقوع بحران»؛ فصلنامه کمال مدیریت، شماره ۴ و ۵.
۸. معمار زاده، غلامرضا و سرفرازی، مهرزاد (۱۳۸۹)، «بررسی گام‌های فرآیند مدیریت بحران در سازمان»؛ پژوهشنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۱.
۹. الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر عملیات روانی در بحران؛ تهران: مرکز تألیف کتاب‌های درسی معاونت تربیت و آموزش سپاه.
۱۰. رزقی شیرسوار، هادی (۱۳۸۹)، «مدیریت بحران در دانشگاه‌ها»؛ فصلنامه پژوهشنامه، شماره ۵۱.
۱۱. حسینی، حسین و جدی، سیدمجید (۱۳۸۵)، مدیریت بحران با رویکرد امنیت عمومی (۱)، تهران: معاونت آموزش ناجا.

۱۲. بی‌نا (۱۳۸۹)، انعکاس ویژه‌نامه کرسی‌های آزاد فکری در دانشگاه‌ها؛ تهران: بسیج دانشجویی دانشگاه امیرکبیر.
۱۳. حسینی، سید حسین (۱۳۹۰)، ارتباط اقناعی: از آموزه‌های عملی تا یافته‌های علمی؛ تهران: دانشگاه جامع امام حسین(ع).
۱۴. دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۷۶)، دانشگاه و دانشجو در آیین رهنمودهای مقام معظم رهبری؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۵. رضایی نژاد، عبدالرضا (۱۳۷۵)، دانش مدیریت امروز، دستنامه مدیران، تهران: موسسه خدمات فرهنگی.
۱۶. رضاییان، علی (۱۳۸۱)، مبانی سازمان و مدیریت؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۱۷. عمید، حسن (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی؛ تهران: امیرکبیر.
۱۸. قهرمانی، محمد (۱۳۸۳)، «سازمان یادگیرنده؛ ثمره‌ی بی‌مانند قرن مدیریت»؛ فصلنامه مدیریت دانش سازمانی، شماره نخست.
۱۹. مارکوزه، هربرت (۱۳۸۰)، انقلاب یا اصلاح؛ ترجمه وزیری؛ تهران: خوارزمی.

ب) مصاحبه‌ها:

۲۰. مصاحبه با دکتر سراج مسئول وقت سازمان بسیج دانشجویی کشور.
۲۱. مصاحبه با محمد ییلماز مسئول وقت بسیج دانشجویی دانشگاه امیرکبیر.
۲۲. مصاحبه با مهدی مقام فر مسئول وقت بسیج دانشجویی دانشگاه تهران.
۲۳. مصاحبه با سعید سلیمانی مسئول وقت بسیج دانشجویی دانشگاه علم و صنعت.
۲۴. مصاحبه با محمد ثنائی فر مسئول وقت بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
۲۵. مصاحبه با رشید قانع‌ی معاون سیاسی وقت بسیج دانشجویی دانشگاه شریف.
۲۶. مصاحبه با محمد سلیمانی مسئول وقت بسیج دانشجویی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۲۷. مصاحبه با سجاد اکبری معاون سیاسی وقت بسیج دانشجویی دانشگاه امیرکبیر.

۲۸. مصاحبه با حسن سلیمانی مسئول بخش تحلیل و بررسی سازمان بسیج دانشجویی استان اصفهان.

۲۹. مصاحبه با ساسان زارع از فعالین بسیج دانشجویی در سال ۱۳۸۸.

۳۰. مصاحبه با محمدجواد اخوان از فعالین بسیج دانشجویی در سال ۱۳۸۸.

۳۱. مصاحبه با رسول یوسفی از فعالین بسیج دانشجویی در سال ۱۳۸۸.

۳۲. مصاحبه با دکتر تاجیک از فعالین بسیج دانشجویی در سال ۱۳۸۸.

۳۳. مصاحبه با محسن غفوری از فعالین بسیج دانشجویی در سال ۱۳۸۸.

۳۴. مصاحبه با احسان یآوری مسئول وقت بسیج دانشجویی دانشگاه خواجه نصیر.

